

سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی در ایران: ارائه الگو

عباس قشمی میمند^۱، محمد پورکیانی^۲، محمد مهدی رحمتی^۳

۱. دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

۲. استادیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۴

چکیده

این مقاله با توجه به اهمیت ورزش به عنوان بخش مهمی از تعلیم و تربیت و به عنوان یکی از ملزومات اولیه توسعه انسانی برای نیل به مدارج کمال، برخورداری از سلامت جسمانی، نشاط جسمی و روانی و فضایل اخلاقی، الگوسازی فرهنگ ورزش دانشجویی را یکی از محورهای اساسی سیاستگذاری فرهنگی در ورزش فرض نموده است. به منظور ارائه الگوی مناسب سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی، ابتدا مدل‌ها و نظریات موجود در عرصه سیاستگذاری فرهنگی مورد نقد و بررسی قرار گرفت و سپس در چارچوب روش تحلیل تماتیک و بهره‌گیری از افراد صاحب‌نظر و متخصص شامل ۱۰ نفر از مدیران تربیت‌بدنی آموزش عالی، پژوهشگران و همچنین تعداد ۳۰ نفر از دانشجویان دوره‌های کارشناسی، ارشد و دکتری، الگوی مورد نظر طراحی شد. بنابراین ارائه الگوی بومی سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی با محوریت دو مضمون فراگیر ایجاد تغییرات ساختاری (حول دو مضمون واسط تغییرات مدیریتی و ساختاری) و تغییر در فرهنگ عمومی نسبت به ورزش (حول سه مضمون واسط تقویت فرهنگ مسئولیت اجتماعی، ایجاد فرهنگ علاقه‌مندی ورزش و نقش تربیتی ورزش) برای الگوسازی فرهنگ ورزش دانشجویی از مهمترین نتایج این تحقیق است.

واژگان کلیدی: سیاستگذاری فرهنگی، ورزش دانشجویی، تحلیل تماتیک

1. Email: gheshti.1987@gmail.com
2. Email: m.pourkiani46@gmail.com
3. Email: mahdi.rahmati@gmail.com

مقدمه

امروزه در فرهنگی زندگی می‌کنیم که ورزش نقشی فزاینده و مهم در آن ایفا می‌کند. ورزش در دنیای کنونی به عنوان نقطه‌ای محوری و مرکز مطرح شده است. زیرا به عنوان یک شغل و یا آرزو، بسیاری از اوقات، پول و انرژی و حتی سلول‌های مغزی ما را در برمی‌گیرد. زمانی ورزش با عنوان اوقات فراغت معنا می‌یافت اما در حال حاضر ورزش بیشتر یک صنعت و در معنای یک حرفه برای کسب‌وکار است. در این قالب گسترش ورزش‌های سازمان‌یافته در اواخر قرن ۱۹ در نتیجه افزایش میل و انگیزه برای مقابله با تبدیل شدن سبک زندگی کم‌تحرک بوده است. بنابراین ورزش‌ها و آثار مکشوفه از ورزش ما را احاطه و در ما نفوذ کرده است. از طرف دیگر رقابت‌های ورزشی به تنهایی امور طبیعی نیستند. آنها محصول تلاش‌های فرهنگی هستند. محصولات آنی که در انواع شرایط تاریخی و اجتماعی خاصی تولید شده‌اند. ورزش‌هایی که با دستورالعمل‌ها و قوانینی که توسط سازمان‌ها تعیین شده‌اند، به عنوان نهادی اجتماعی تعیین‌یافته و ممکن است ریشه در ساختار ژنتیکی ما داشته باشند (کاشمر، ۲۰۰۰، ۹-۱۵). لذا ورزش به عنوان یک ابزار جهت استحکام پیوندهای اجتماعی مورد توجه است. فرهنگ و مقولات فرهنگی، از مشترکات میان جوامع محسوب می‌شوند. بنابراین از یک سو به عنوان پیونددهنده فرهنگ محسوب شود و از دیگر سو چنان که در ورزش‌های سنتی ایران نیز مرسوم بوده است آیین جوانمردی، مروت، خداپرستی و اخلاق‌گرایی را تعمیق و انتشار دهد و روحیه جمع‌گرایی، وحدت و انسجام فرهنگی را در کشور تقویت کند (مظاهری، ۱۳۸۵، ۶۶) از منظر جامعه‌شناسانه نیز، فرهنگ ورزش یک خرده فرهنگ است که به تسامح فرهنگ ورزش خوانده می‌شود. این فرهنگ شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها، عادت‌ها و ساخت‌های انسان اجتماعی مربوط به ورزش است (سازمان تربیت‌بدنی، ۱۳۸۴).

در دنیای معاصر، به‌رغم ویژگی بارز فرهنگی ورزش و تربیت‌بدنی به این رویکرد کمتر توجه شده است و در فرایند فرهنگ‌سازی و یا به اصطلاحی دقیقتر الگوسازی فرهنگی، تعالی ادب و تربیت و ارتقای شخصیت کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر، در میادین و مجامع ورزشی با دخالت دست‌های سوء تجاری، سیاسی و فرهنگی (زر، زور و تزویر) نقش تربیتی ورزش و ارتباط مستقیم آن با فرهنگ کم‌رنگ می‌شود و به جای آن برد و باخت‌ها، جوایز، پول و شهرت کاذب در درجه نخست اهمیت قرار می‌گیرد (خلجی و همکاران، ۱۳۹۲، ۲۱۷) بنابراین ورزش به عنوان بخش مهمی از تعلیم و تربیت، جایگاه اساسی و سرنوشت‌سازی در فرهنگ هر جامعه‌ای ایفا می‌کند و با تأکیدی که بر پرورش جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی دارد، به عنوان شاخصه‌ای برای توسعه دانشگاه‌ها محسوب می‌شود. در صورت کاربرد صحیح و اصولی، نقش شایان توجهی در فرآیند تعلیم و تربیت در آموزش عالی

و سالم‌سازی نیروی انسانی آتیه‌ساز ایفا خواهد کرد. در این راستا با توجه به اینکه دانشجوی محور اصلی تمام برنامه‌های توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، یکی از ملزومات اولیه توسعه انسانی برای نیل به مدارج کمال، برخورداری از سلامت جسمانی، نشاط جسمی و روانی و فضایل اخلاقی است. لذا توجه به تربیت بدنی و ورزش طی دوران تحصیل، می‌تواند بسیار سازنده و دارای نتایج مثبتی باشد. از این رو باید خاطر نشان کرد تربیت بدنی و ورزش جایگاه خاصی در زندگی و اوقات فراغت دانشجویان دارد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۰، ۷۶).

از دیدگاه نظری نیز حوزه‌های مورد علاقه سیاستگذاری فرهنگی در کشورهای مختلف آن چنان گسترده است که زمینه دخالت در طیف‌های مختلفی از ورزش، مذهب، جنسیت، میهن دوستی، زبان و... را به طور کلی گرفته تا جزئیاتی همچون کتاب‌خوانی افراد، شیوه‌های لباس پوشیدن، شخصیت، مد و... را در بر می‌گیرد. ورزش یکی از این حوزه‌هاست که علایق مختلف را برانگیخته است. بحث ورزش زنان، ورزش و محیط زیست، ورزش و مذهب، ورزش و اوقات فراغت، ورزش و قدرت، ورزش و سلامت جسمی و روحی از مهمترین مباحثی است که در ذیل نظریات سیاست فرهنگی و اندیشمندان این حوزه قابل طرح و بررسی است. از طرف دیگر برنامه‌ریزی و سیاستگذاری برای توسعه و گسترش ورزش در میان اقشار مختلف به‌خصوص دانشجویان نیز به عنوان یکی از حوزه‌های مورد علاقه کارشناسان و مسئولان فرهنگی مطرح است. در بعد نظری مفاهیم سیاست فرهنگی و سیاستگذاری فرهنگی، از مفاهیمی است که در قرن اخیر مورد توجه کشورها قرار گرفته است. نگاه به فرهنگ به عنوان یکی از زمینه‌های اصلی توسعه و امکان مدیریت فرهنگی برای تغییر در عناصر فرهنگی و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و توجه به نقش دولت‌ها در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری فرهنگی، بستر مناسبی را برای شکل‌گیری این مفهوم ایجاد کرده است (صالحی امیری، ۱۳۹۲، ۶۴-۸۷). البته مطالعه آثار پژوهشی موجود در عرصه سیاستگذاری فرهنگی در ایران نشان می‌دهد این حوزه متأثر از دو نگاه مدیریتی و سیاستگذاری عمومی، شامل اغلب تحقیقات کمی و همچنین مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی اغلب با رویکرد کیفی است. مطالب گروه اول بیشتر در قالب مفهوم سیاستگذاری فرهنگی مطرح است و گروه دوم که متأثر از رویکرد مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی هستند بیشتر حول محور سیاست فرهنگی مطرح است. گروه اول بیشتر به جنبه‌های عملیاتی و برنامه‌ریزی در حوزه سیاستگذاری فرهنگی می‌پردازند و گروه دوم بیشتر به مقوله مفاهیم، نظریات و تدوین اهداف و سیاست‌ها می‌پردازند. منظر مدیریتی و اجرایی بررسی سیاست‌های فرهنگی معطوف به اثربخشی و میزان بهره‌وری و ارزیابی عملی برنامه‌ها است. در این رویکرد درصد استفاده از دانش فنی و علم مدیریت برای اعمال مدیریت عقلانی شده بر سازمان یا حوزه فعالیت موردنظر هستیم. به عبارت دیگر به سازماندهی عقلانی‌تر فعالیت و برنامه‌های موردنظر یاری رسانیم. در عرصه عملی، سیاستگذاری در

حوزه فرهنگ در ایران نیز از دو مسیر دنبال شده است. گروهی به مسیر سیاستگذاری عمومی (اشتریان، ۱۳۸۱، ۱۳۹۱؛ وحید، ۱۳۸۲) روی آورده و تلاش کرده‌اند از منظر مدل‌ها و نظریات و راه‌حل‌های این حوزه به سیاستگذاری فرهنگی در ایران بپردازند و گروهی دیگر مثل صالحی‌امیری (۱۳۸۷) نیز از منظر علم مدیریتی مفهوم برنامه‌ریزی فرهنگی را دنبال کرده‌اند. طبق این رویکرد، سیاستگذاری فرهنگی به اراده دولت در ایجاد یا تحکیم و یا تغییر مقررات و تنظیمات در عرصه فرهنگ معطوف است (وحید، ۱۳۸۶، ۹-۱۸) و همچنین از دیدگاه علم سیاستگذاری، سیاستگذاری فرهنگی مقوله پیچیده‌ای است و دارای اهمیت راهبردی که بر توسعه پایدار تأثیر می‌گذارد و در واقع بخش اساسی آن است (اشتریان، ۱۳۸۱، ۱۰).

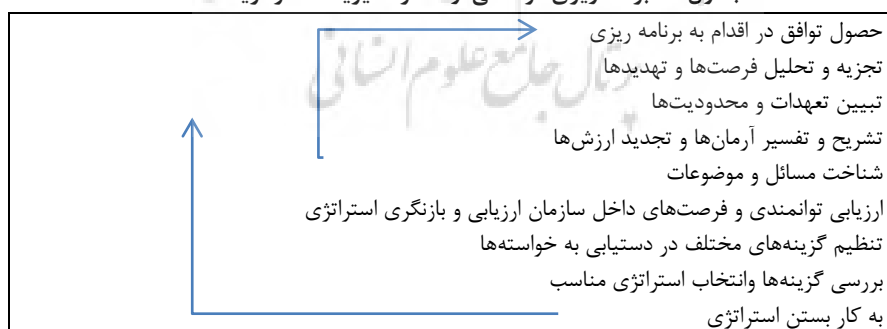
اشتریان تئوری‌های بستر ساز سیاستگذاری فرهنگی را در سه سطح کلان، میانی و خرد بیان می‌کند. وی با تأسی از چرخه سیاستگذاری مطرح شده در مباحث سیاستگذاری عمومی، مدل مطلوب خود را در سیاستگذاری فرهنگی شامل ۵ مرحله می‌داند (اشتریان، ۱۳۹۱، ۱۷) جدول شماره (۱)

جدول ۱- سیاستگذاری فرهنگی از منظر سیاستگذاری عمومی

| | |
|---|---------------------------------------|
| ۱ | تشخیص و صورت‌بندی مسأله |
| ۲ | مبانی نظری و شناسایی راه حل‌ها |
| ۳ | تصمیم‌گیری |
| ۴ | اجرا، نظارت و انتخاب ابزار سیاستگذاری |
| ۵ | ارزیابی سیاست‌های اجرا شده |

صالحی‌امیری مدل مطلوب خود برای برنامه‌ریزی فرهنگی را در چارچوب مراحل برنامه‌ریزی استراتژیک به شکل ذیل بیان می‌دارد (صالحی‌امیری، ۱۳۸۷، ۶۷) جدول شماره (۲)

جدول ۲- برنامه‌ریزی فرهنگی از منظر مدیریت استراتژیک



اما گروهی دیگر از آثار پژوهشی در حیطه سیاستگذاری فرهنگی در ایران نگاشته شده‌اند که به مقوله سیاست فرهنگی می‌پردازند. این گروه دوم متأثر از رویکرد مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی هستند. رویکرد مطالعات فرهنگی، مجموعه رهیافت‌هایی است که به دنبال فهم و مداخله در رابطه میان قدرت و فرهنگ است. درست برعکس انسان‌شناسان که هر چیزی را «فرهنگ» می‌دانند؛ مطالعات فرهنگی، کردار فرهنگی را نقطه‌ای پیچیده و تضادآمیزی می‌داند. متن فرهنگی نقطه‌ای است که در آن چندگانگی نیروها (تعیین‌ها و تأثیرات) به هم متصل می‌شوند (مک گوینگان، ۱۳۸۷، ۹-۱۱). در این معنا سیاست فرهنگی به نوعی گرایشی انتقادی است که توسط متخصصین و یا کارشناسان نسبت به سیاست‌های فرهنگی جاری و در حال اجرا و یا تدوینی اعمال می‌شود. در میان اندیشمندان و نظریه پردازانی که مفاهیم و تعاریف آن‌ها کاربرد بیشتری در تعیین مصادیق و ارائه تجربیات سیاست فرهنگی در ایران کاربرد داشته است می‌توان به میشل فوکو، بوردیو، ریموند ویلیامز، نوربرت الیاس و ... اشاره کرد. با این نگاه سیاست فرهنگی به مجموعه‌ای از تصمیم‌ها و اقدامات دولت‌ها در خصوص تولید، توزیع، مصرف و بازنمایی محصولات فرهنگی در جوامع مختلف اطلاق می‌شود. حوزه رسانه‌های جمعی (مطبوعات، تلویزیون، اینترنت)، حوزه دانش و تولید علم، و حوزه انگاره‌های معرفتی جامعه را می‌توان عرصه یا میدان سیاست‌های فرهنگی تلقی کرد (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲، ۳۴).

در رهیافت کنش متقابل نمادین در تحلیل مسائل فرهنگی این‌که چگونه افراد معانی و هویت‌های مرتبط با مشارکت ورزشی را توسعه می‌دهند و این‌که چگونه آن معانی و هویت بر روابط و رفتارهایشان با دیگران تأثیر می‌گذارد، از جمله موضوعات مورد علاقه است. ارزش‌های تیمی، هنجارها، تشریفات، تشویق‌ها، نشانه‌ها، علائم، بازی‌ها، آمارها و واکنش‌های مربوط به شکست و پیروزی در عرصه ورزش جملگی دلایل قانع‌کننده‌ای برای جلب توجه تحلیلگران کنش متقابل نمادین به این موضوع به شمار می‌آید. دیدگاه کنش متقابل به معانی خلق شده در عرصه ورزش‌های گروهی توجه دارد و این‌که چگونه این معانی در فعالیت‌های ورزشی اثر می‌گذارند. از آنجا که اشکال گوناگون فعالیت‌های ورزشی، دنیاهای نمادین هستند، لذا دنیای اجتماعی مناسبی جهت بررسی نظریه‌پردازان دیدگاه کنش متقابل نمادین به شمار می‌آیند (کواکلی، ۱۹۹۸، ۷۰-۴۳۹).

بوردیو با اشاره به طبقه اجتماعی و ورزش، معتقد است عادات هر طبقه اجتماعی از طریق ورزش و سایر فعالیت‌های فرهنگی مشخص و آشکار می‌گردد. طبقه اجتماعی در باشگاه‌های ورزشی و انتخاب آنها از سوی ورزشکاران ظهور می‌یابد. به طوری که باشگاه‌های ورزشی انحصاری در به عضویت گرفتن اعضاء خود محدودیت‌هایی را در نظر می‌گیرند و افراد سطح بالا را با سطح بالای سرمایه در باشگاه‌های

-
1. Mc Guigan
 2. Coakley

خاص می‌یابیم. ورزشکاران در هر طبقه اجتماعی هزینه بالایی برای ورزش می‌پردازند، از نظر اجتماعی با اعضاء خاصی در ارتباطند، از نظر فرهنگی به نوع لباس پوشیدن، زبان و رفتار خاصی اهمیت می‌دهند و از لحاظ سمبولیک نیز کسانی را که دارای عناوین قهرمانی هستند راحت‌تر به عضویت می‌پذیرند. بورديو معتقد است که علاوه بر سرمایه و طبقه اجتماعی، افراد با تفاوت‌های جسمی یا سمبولیک نیز از یکدیگر مجزا می‌شوند (ظهیری‌نیا، ۱۳۹۴، ۴۷).

مروری بر تحقیقات صورت گرفته پیرامون برنامه‌ریزی و سیاستگذاری فرهنگی در حوزه ورزش کشور، گویای آن است که اکثر مطالعات و تحقیقات مرتبط با فرهنگ ورزش و فرهنگ‌پذیری ورزش دانشجویی بر اساس دیدگاه برنامه‌ریزی راهبردی (دیدگاه مدل برنامه‌ریزی فرهنگی صالحی‌امیری) فرهنگ ورزش انجام می‌شود. جوادی‌پور (۱۳۹۱) در تبیین نظرگاه‌ها و رویکردهای مناسب برای تدوین برنامه‌ریزی استراتژیک در ورزش دانشجویی، رویکردهای کلان ورزش دانشجویی را دستیابی به جامعه سالم، بهبود وضعیت فرهنگی و اخلاقی کشور و بهبود وضعیت نیروی کار جهت افزایش بهره‌وری و تولید اعلام کرد و اصلی‌ترین رویکردش را افزایش سطح سلامتی دانست. منظمی و همکاران (۱۳۹۰) با استفاده از این رویکرد در تحقیقی بر روی عوامل مؤثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیدند که مجموعه عوامل فرهنگی اجتماعی که به سنت‌ها، باورها، عقاید و فرهنگ حاکم و همچنین نوع ارتباطات افراد جامعه و مسائل اجتماعی مرتبط‌اند، از نظر پاسخ‌دهندگان بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان در جمهوری اسلامی مؤثر هستند و در این میان استفاده مناسب رسانه‌های جمعی به ویژه صدا و سیما جهت تشویق و ایجاد انگیزه در بانوان برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان مؤثرترین عامل در اولویت است. عاملی که در نتایج پژوهش‌های کینگ^۱ (۱۹۹۹)، هان^۲ (۲۰۰۶)، بارنت^۳ (۲۰۰۷) و گالسکوسکی^۴ (۲۰۰۸) بر آن تأکید شده بود. در خارج از کشور نیز پژوهش‌های استرید جولی و فورد^۵ (۲۰۰۲) نشان می‌دهد نقش ورزش و فعالیت بدنی در اوقات فراغت نوجوانان و دانشجویان کم‌رنگ شده است. چریل^۶ (۲۰۰۰) در تحقیقی در مورد میزان مشارکت دانشجویان در فعالیت ورزشی دانشگاه استنفورد، نتیجه گرفت ۴۵ درصد دانشجویان دختر و ۵۵ درصد دانشجویان پسر، در فعالیت‌های ورزشی این دانشگاه مشارکت داشته‌اند. از طرفی، کرامبی^۷ و همکاران (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیدند مهمترین مانع در پرداختن به ورزش

-
1. King
 2. Han
 3. Barnett
 4. Glasgowski
 5. Astrid & Ford
 6. Cheryl
 7. Crombie

در اوقات فراغت بی‌علاقگی است. شری و همکاران^۱ (۲۰۱۵) تحقیقی با عنوان مدیریت ورزش برای تغییرات اجتماعی^۲ بیان می‌دارند ورزش به‌عنوان یک ابزار برای کمک به نتایج مثبت در زمینه‌هایی از قبیل توسعه اقتصادی^۳، انسجام اجتماعی^۴، انسجام فرهنگی^۴، شیوه زندگی سالم^۵، آموزش^۶، عدالت جنسیتی^۷، مصالحه و ایجاد صلح^۸ می‌تواند استفاده گردد. زمینه ورزش برای تغییرات اجتماعی (SFSC) نشان‌دهنده یک زیرمجموعه ورزش برای توسعه (SFD) است که از ورزش به‌عنوان یک کاتالیزور برای ایجاد ظرفیت اجتماعی^۹ و توسعه سلامت اجتماعی و فیزیکی جوامع^{۱۰} استفاده می‌کند.

همچنین بخشی دیگر از تحقیقات مرتبط با حوزه فرهنگ ورزش و سیاستگذاری این حوزه، بحث سیاست فرهنگی ورزش را با استفاده از نظریات مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناختی، نظریات حوزه زبان (تحلیل گفتمان) دنبال می‌کنند.

زینالی اناری در «تحلیل گفتمان ورزش همگانی در میدان دور دریاچه شورابیل»، مسأله ورزیدگی بدن و اهمیت آن در گذر زمان برای دستیابی به مفهوم «عقل سالم در بدن سالم» را بر مبنای نوعی نگاه فوکویی مورد بررسی قرار داده است تا وجوه گردهم‌آمدن، رشد و توسعه ورزش همگانی در گذر زمان و دلایل پرداختن رسانه‌ها به ورزش و علاقه حکومت‌ها به ورزش کردن شهروندان را توضیح دهد (زینالی اناری، ۱۳۹۴، ۱-۱۷).

برای نمونه از تحقیقات صورت گرفته با این رویکرد؛ لوشن^۳ و همکارانش در سال ۱۹۸۱ در تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه طبقات اجتماعی با مشارکت افراد در ورزش»، هدف اصلی خود را در شناخت علایق ورزشی طبقات مختلف جامعه بیان می‌کند و میان ورزش‌هایی که طبقه‌های برتر جامعه و برخورداران از جایگاه بالای اجتماعی انجام داده‌اند، با دیگر ورزش‌ها و بازی‌هایی که در میان طبقات پائین اجتماعی جامعه رواج داشته، فرق گذاشته است. نتایج به‌دست‌آمده روشن ساخت فوتبال

1. Sherry, E. Schulenkorf, N. & Chalip, L
2. Social Change
3. Economic Development
4. Social inclusion
5. Cultural Cohesion
6. Healthy Lifestyles
7. Education
8. Gender Equity
9. Reconciliation and peacebuilding
10. Area of Sport for Social Change (SFSC)
11. Social Capacity
12. Develop Socially and Physically Healthy Communities
13. Luschen

آمریکایی، بسکتبال و هاکی ورزش‌هایی هستند که شهرنشینان، صرف نظر از طبقه به آنها علاقه و اهتمام نشان می‌دهند؛ ورزش‌های گلف، اسکی و تنیس مورد علاقه طبقات بالا هستند و ورزش‌هایی مانند بوکس، بیسبال، کشتی و بولینگ ورزش‌هایی هستند که طبقات پائین اقتصادی-اجتماعی به آنها رغبت نشان می‌دهند (لوشن و همکاران، ۱۹۸۱، ۱۱۲-۱۳۴). «نقش طبقه اجتماعی بر روی مشارکت ورزشی زنان» عنوان تحقیق دیگری در همین حوزه از گریندوفر است که به بررسی رابطه مابین متغیرهای اقتصادی - اجتماعی و نوع مشارکت ورزشی زنان پرداخته است (گریندوفر^۱، ۱۹۷۸، ۶۲۵-۶۱۹).

بنابراین نتایج تحقیقات مرتبط با توسعه فرهنگ مشارکتی ورزش دانشجویی و ترویج علاقه‌مندی در بین دانشجویان در ارتباط با ورزش که نمونه‌هایی از آنها بیان شد نشان می‌دهد مسأله اصلی این است که سیاستگذاری فرهنگی در ورزش دانشجویی همچنان از یک الگوی بومی مناسب برخوردار نیست و آنچه در تحقیقات انجام شده با استفاده از مدل‌های مختلف به دست می‌آید تنها پیشنهادهاتی برای بهبود فرهنگ ورزش دانشجویی یا ترویج فرهنگ مشارکت ورزشی در بین دانشجویان است. چه بسا که بسیاری از تحقیقات در حوزه فرهنگ مسائل مرتبط با چیستی یک امر و پدیده را به عنوان مدل تصمیم‌گیری و راه حل عملیاتی قلمداد کرده و در عمل نیز با هزینه بسیار متأسفانه نه تنها به اهداف خود دست نمی‌یابند بلکه به شکست می‌انجامند. لذا یکی از خلاءهای موجود فقدان توجه پژوهشگران به مسأله سیاستگذاری فرهنگی در ورزش به صورت علمی است تا جایی که تحقیقات و جستجوی نگارنده در آثار علمی انجام گرفته در این حوزه نشانگر عدم وجود تحقیقی مرتبط با این عنوان به‌طور خاص است. لذا این پژوهش با توجه به ضرورت وجود یک الگوی بومی برای الگوسازی فرهنگ ورزشی در بین دانشجویان و با عنایت به روشن نمودن ابعاد مختلف مسأله ورزش دانشجویی؛ دو سوال ۱- چیستی مؤلفه‌های ورزش دانشجویی؟ ۲- چگونگی سیاستگذاری فرهنگی ورزشی مناسب برای الگوسازی فرهنگ ورزش دانشجویی در ایران؟ را با فرض اینکه مدل‌های موجود برنامه‌ریزی و سیاستگذاری فرهنگی از کارایی چندانی برای تحقق اهداف مرتبط با مسأله تحقیق برخوردار نبوده‌اند دنبال می‌نماید.

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق از استراتژی تحلیل تماتیک (مضمون) استفاده شده است. در واقع روش تحلیل تماتیک (موضوعی یا مضمون) روش مناسبی برای تحلیل داده‌های

متنی است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی، تحلیل داده‌های متنی مصاحبه‌ای است (براون و کلارک^۲، ۲۰۰۶، ۱۰۱-۷۷).

به دلیل این که این پژوهش بنیادی است، جامعه آماری برای آن همچون پژوهش‌های کمی متصور نیست و روش نمونه‌گیری نیز نظری و یا تئوریک خواهد بود. بدین معنا که منابعی انتخاب خواهند شد که بیشترین اطلاعات و داده برای پاسخ به سؤال تحقیق را فراهم می‌کنند. مصاحبه با این نمونه‌ها، یا در اصطلاح کیفی دروازه‌بانان مطلعین، تا آنجا ادامه یافت که محققان به مرحله اشباع نظری دست یافتند. اشباع نظری معیاری است برای تعیین تعداد نمونه‌ها که بر اساس آن محقق تا جایی مصاحبه‌ها را ادامه می‌دهد که پاسخ به سؤال‌های عمده تحقیق اشباع شده یا داده‌های جدیدی در فرآیند گردآوری داده‌ها تولید نشود. این فرآیند را نمونه‌گیری نظری می‌خوانند که به دنبال نمونه‌گیری هدفمند می‌آید (محمدپور، ۱۳۹۰، ۱۷۸). بر همین اساس مصاحبه با ۱۰ نفر از متخصصان و اساتید حوزه سیاستگذاری فرهنگی در ورزش (۲ نفر از اساتید حوزه سیاستگذاری فرهنگی، ۳ نفر از اساتید حوزه فرهنگی ورزش، ۲ نفر از اساتید حوزه ورزش بانوان، ۳ نفر از اساتید حوزه ورزش دانشجویی) به صورت حضوری انجام گرفت و همچنین مصاحبه با ۳۰ نفر از دانشجویان (۱۴ نفر کارشناسی، ۱۰ نفر ارشد و ۶ نفر دکتری) از دانشگاه‌های مختلف کشور نیز به صورت حضوری و پیام‌های الکترونیکی بود که سؤالات مصاحبه برای آنان فرستاده و پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان دریافت شد.

نحوه طبقه‌بندی داده‌های مصاحبه‌ای نیز این گونه انجام شده است که ابتدا در هر مصاحبه عبارات، توضیحات، جملات و اشاراتی که به نوعی حکایت از ارتباط معنایی با موضوع مورد پژوهش را دارد استخراج و سپس بر اساس مقوله‌های معنایی مشترک گروه‌بندی شده‌اند و در نهایت بر اساس وجوه مشترک عبارات گروه‌بندی شده در هر کدام از مقولات، تم‌های مرتبط و سپس تم‌های اصلی و در نهایت تم‌های مرکزی شناسایی شده‌اند. ترسیم شبکه مضامین مرتبط با چپستی ورزش دانشجویی و چگونگی سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی بخش مهمی از فعالیت‌های این پژوهش بوده است. روش اعتبارسنجی این پژوهش نیز «روایی تفسیری» بوده است و با ارائه و بازخورد نتایج پژوهش به صاحب‌نظران تأیید نهایی آن اعمال گردید. برای سنجش روایی تحقیق حاضر علاوه بر اینکه مضمون‌های فراگیر اصلی و فرعی از پیشینه و چارچوب مفهومی انتخاب گردید نظریات و رهنمون‌های گروهی از نخبگان نیز در این خصوص لحاظ شد.

یافته‌های تحقیق

الف) چیستی ورزش دانشجویی (ترسیم شبکه مضامین)

با توجه به ماهیت تعلیم و تربیتی ورزش دانشجویی مروری بر پیشینه تحقیقات انجام گرفته در ایران حول ورزش دانشجویی نشان می‌دهد ابعاد و زوایای فرهنگی و تربیتی این مسأله چندان مورد توجه قرار نگرفته است. بدین منظور یکی از پرسش‌های اساسی ما در این رساله و در قالب تحلیل تماتیک نظرات متخصصان و دانشجویان، بررسی چیستی ورزش دانشجویی و مسائل مرتبط با آن با هدف تبیین ابعاد مختلف قضیه بوده است. در این قسمت ابتدا کدهای به‌دست آمده مرتبط با چیستی ورزش دانشجویی از منظر اساتید و دانشجویان بر اساس گروه‌بندی صورت گرفته به صورت مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه در قالب جدول ذیل ارائه و سپس با شرح مضامین بیان شده شبکه مضامین چیستی ورزش دانشجویی طراحی می‌شود.

جدول ۳- مضمون‌های مرتبط با چیستی ورزش دانشجویی از منظر اساتید و دانشجویان

| مضمون فراگیر | مضمون سازمان‌دهنده | مضمون پایه یا اصلی |
|------------------------------------|-------------------------------|--|
| ماهیت تعلیم و تربیتی ورزش دانشجویی | پرورش قوای جسمانی | تناسب اندام و پرورش فیزیک بدن، حفظ تندرستی و سلامت جسمی، مانع چاقی مفرط |
| | ایجاد سبک زندگی سالم و هدفمند | پر کردن اوقات فراغت به شیوه مناسب، ایجاد روحیه امید به‌اینده در فرد، کمک به بهبود نظم و برنامه‌ریزی امور روزانه، مانعی برای استفاده بیش از حد فناوری و فضای مجازی، کمک به پیشرفت تحصیل |
| مشوق‌ها و موانع ورزش دانشجویی | کاهش آسیب‌های روحی و روانی | ایجاد شادابی و نشاط در فرد، جایگزینی برای احساس دلتنگی و دوری از خانواده، جلوگیری از بحران‌های اجتماعی مثل اعتیاد، ایجاد روحیه خودباوری و رضایت از خود، |
| | مشوق‌ها | فرهنگ خانوادگی ورزش کردن، دوستان و همراهان ورزشی، حفظ بدن و تناسب اندام، دستیابی به روحیه شاد و عزت‌نفس، احساس مفید بودن ورزش، دسترسی به امکانات ورزشی، علاقه‌مندی به ورزشی خاص، پاداش‌های ورزشی (امتیاز تحصیلی، پول، ...)، وجود مدیران مشوق ورزش |
| موانع | | آموزش نادرست مدیران تربیت بدنی، عدم فرهنگ سازی ورزش دانشجویی از طریق رسانه‌ها و مسئولان، اجاره دادن امکانات به بخش خصوصی و کاهش، توزیع ناعادلانه امکانات به‌لحاظ جنسیتی و سرزمینی، نداشتن وقت و هزینه کافی، گسترش سبک زندگی مجازی شده، مشارکت دانشجویان در امر مدیریتی، حذف تشکلهای ورزشی دانشجویی، عملکرد سلیقه‌ای دانشگاه‌ها در تخصیص و هزینه کرد بودجه ورزشی دانشگاه‌ها |

نخستین مضمون فراگیر که مرکز ثقل تمامی مصاحبه‌ها و مورد تأکید تمامی نمونه‌ها بوده است ماهیت تعلیمی و تربیتی ورزش دانشجویی در ایران است که حول سه مضمون پرورش قوای جسمانی، ایجاد سبک زندگی سالم و هدفمند و کاهش آسیب‌های روحی و روانی بیان شده است. مضمون فراگیر دیگری که در اکثر مصاحبه‌ها بر آن تأکید می‌شد توجه به موانع و ذکر مشوق‌هایی است که می‌تواند منجر به توسعه و گسترش و فرهنگ‌سازی ورزش دانشجویی در سطح کشور شود. بنابراین نتایج به‌دست آمده از مضامین فوق را می‌توان به صورت شبکه مضامین مرتبط با چیستی ورزش دانشجویی به صورت ذیل ارائه کرد:



شکل شماره (۱) - شبکه مضامین مرتبط با چیستی ورزش دانشجویی

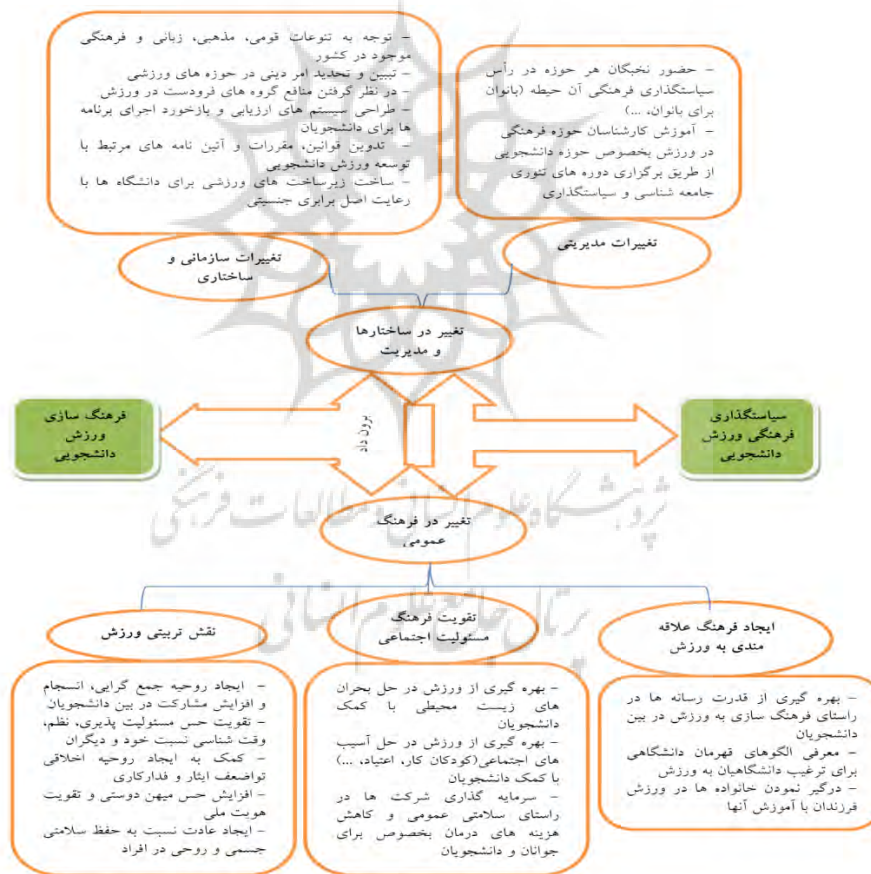
(ب) چگونگی سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی (ترسیم شبکه مضامین و ارائه الگو)

بحث چگونگی سیاستگذاری فرهنگی ورزشی مناسب برای فرهنگ سازی ورزش دانشجویی در ایران؟ به عنوان سؤال دوم پژوهش در مصاحبه با اساتید مطرح، که در این قسمت ابتدا کدهای به دست آمده مرتبط با چگونگی سیاستگذاری فرهنگی ورزشی دانشجویی از منظر اساتید براساس گروه بندی صورت گرفته به صورت مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه در قالب جدول ذیل ارائه و سپس با شرح و تفسیر مضامین بیان شده، شبکه مضامین این چگونگی طراحی می شود.

جدول ۴- مضمون های مرتبط با چگونگی سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی

| مضمون فراگیر | مضمون سازمان دهنده | مضمون پایه یا اصلی |
|--------------------------------|--------------------------------|---|
| تغییر در ساختارها | تغییرات مدیریتی | حضور نخبگان هر حوزه در رأس سیاستگذاری فرهنگی آن حیطه (بانوان برای بانوان، ...) - آموزش کارشناسان حوزه فرهنگی در ورزش به خصوص حوزه دانشجویی از طریق برگزاری دوره های تئوری جامعه شناسی و سیاستگذاری |
| تغییرات سازمانی و ساختاری | تغییرات | تبیین و تحدید امر دینی و مذهبی در حوزه های ورزشی - طراحی سیستم های ارزیابی و بازخورد اجرای برنامه های ورزشی برای دانشجویان - تدوین قوانین، مقررات و آئین نامه های مرتبط با توسعه ورزش دانشجویی - تشکیل و تقویت انجمن های ورزش دانشجویی - ساخت زیرساخت های ورزشی برای دانشگاه ها - توجه به تنوعات قومی، مذهبی، زبانی و فرهنگی موجود در کشور و بین دانشجویان - در نظر گرفتن منافع گروه های فرودست در ورزش (زنان و دختران، آسیب دیدگان اجتماعی، ...) |
| ایجاد فرهنگ علاقه مندی به ورزش | ایجاد فرهنگ علاقه مندی به ورزش | بهره گیری از قدرت رسانه ها در راستای فرهنگ سازی به ورزش در بین دانشجویان - معرفی الگوهای قهرمان دانشگاهی برای ترغیب دانشجویان به ورزش - درگیر نمودن خانواده ها در ورزش فرزندان با آموزش - ایجاد همایش و جشنواره های ورزشی همگانی در سطح دانشگاه ها |
| تغییر در فرهنگ عمومی | تقویت فرهنگ مسئولیت اجتماعی | بهره گیری از ورزش در حل بحران های زیست محیطی با کمک دانشجویان - بهره گیری از ورزش در حل آسیب های اجتماعی (کودکان کار، اعتیاد، ...) با کمک دانشجویان - سرمایه گذاری شرکت ها در راستای سلامتی عمومی و کاهش هزینه های درمان بخصوص برای جوانان و دانشجویان |
| نقش تربیتی ورزش | نقش تربیتی ورزش | ایجاد روحیه جمع گرایی، انسجام و افزایش مشارکت در بین دانشجویان - کمک به ایجاد روحیه اخلاقی تواضع ایثار و فداکاری - افزایش حس میهن دوستی و تقویت هویت ملی - ایجاد عادت نسبت به حفظ سلامتی جسمی و روحی در افراد |

با توجه به تأکیدی که نمونه‌ها در مصاحبه بر روی تغییرات ساختاری و تغییر در فرهنگ عمومی در ورزش داشتند؛ به نظر می‌رسد به توان این دو مضمون را به مثابه مضامین فراگیر مرتبط با چگونگی سیاستگذاری فرهنگی در ورزش معرفی نمود. مضمون فراگیر تغییر در ساختارها حول مضامین واسط و سازمان دهنده تغییرات مدیریتی و تغییرات ساختاری تبیین و معنا می‌یابند و مضمون فراگیر تغییر در فرهنگ عمومی حول سه مضمون واسط تقویت فرهنگ مسئولیت اجتماعی، ایجاد فرهنگ علاقه‌مندی به ورزش و نقش تربیتی ورزش بیان شده است. بنابراین نتایج به دست آمده از مضامین فوق را می‌توان به صورت شبکه مضامین مرتبط با چگونگی سیاستگذاری فرهنگی ورزشی مناسب برای الگوسازی فرهنگ ورزش دانشجویی در ایران به صورت ذیل و به عنوان یک الگو ارائه کرد:



شکل (۲) - شبکه مضامین چگونگی سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجایی که در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی کلان جوامع، شفافیت در مفاهیم و معانی واژه‌ها می‌تواند بر میزان اثربخشی برنامه‌های تدوین شده بیفزاید، لازم است برای «فرهنگ ورزش» تعریف مناسبی ارائه شود. قاسمی و همکارانش در مقاله‌ای، با توجه به نقیصه‌های موجود، ضمن تعریف فرهنگ ورزش، مؤلفه‌های آن را با تأکید بر مدل فرهنگ سازمانی ادگار شاین (۱۹۸۹) چارچوب بندی کردند و در قالب ارکان این مدل مؤلفه‌های فرهنگ ورزش در ایران را به عنوان خرده فرهنگی، تحت چتر فرهنگ ایران تعریف کردند. از نظر قاسمی و همکاران، فرهنگ ورزش به معنای مجموعه باورها و مفروضات انسانی مورد انتظار جامعه در ورزش و رفتار بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب جامعه است. رفتار محترمانه با رعایت اخلاق، تکریم فرهنگ سایر ملل و اقوام، ایجاد عادت به ورزش از طریق مدیریت منابع برای خلق شرایط و امکانات ورزش کردن و نمایش نموده‌های ملموس زیبایی شناختی و هنرمندانه به عنوان مصنوعات ورزش در جامعه را شامل می‌شود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۰). بنابراین با توجه به مضامین به‌دست آمده از نتایج داده‌های تحقیق، سیاستگذاری فرهنگی ورزشی را می‌توان به صورت ذیل تعریف نمود:

"مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها، سیاستگذاری‌ها و اقدامات دولت، نهادهای عمومی و غیردولتی در راستای ایجاد عادت به ورزش در بین شهروندان (الگوسازی فرهنگ ورزش کردن) و نیز تلاش برای تغییر در نگرش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای جمع و یا گروهی از افراد در محیط ورزشی برای رفتار متناسب با هنجارهای فرهنگ عمومی و همچنین بهره‌گیری از ورزش در راستای تأثیر بر فرهنگ عمومی و حل مسائل فرهنگی و اجتماعی است".

بر همین اساس و طبق شبکه مضامین طراحی شده مرتبط با سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی، در این تحقیق، الگوی مناسب برای فرهنگ‌سازی ورزش دانشجویی به عنوان قلب سایر مضامین، بایستی هم به رویکردهای مدیریتی و سیاستگذارانه فرهنگی و هم به رویکردهای موجود در مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناختی توجه نماید. بنابراین سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی به دو طریق امکان‌پذیر است. بخشی از راه حل در این شبکه مضامین، به تغییر در ساختارها با محوریت تغییر در نخبگان سیاستگذار و تغییر در ساختارهای سازمانی و فرهنگی بر می‌گردد. طبق این رویکرد که اساتیدی چون خانم دکتر محمدیان، دکتر کاظمی و دکتر قاسمی در مصاحبه‌ها بدان تأکید داشتند سیاستگذاری بایستی به صورت ساختاری، اصلاح و مبتنی بر تحقیقات و نظریات مخاطبان هدف‌گیری نماید. نتایج تحقیقات صورت گرفته مرتبط با ورزش دانشجویی نیز نشان می‌دهد این حوزه در سال‌های اخیر با مشکلات فراوانی روبه‌رو بوده است که می‌توان آن را در دو رده از هم تفکیک کرد. یکی مشکلات مدیریتی و عدم ثبات و اهمیت به ورزش دانشجویی و دیگری کمبود امکانات ورزشی و یا به

عبارت دیگر توزیع نامتوازن امکانات است. مسأله دیگر که می‌تواند مدخل در خور تأملی برای بحث و بررسی و برنامه‌ریزی باشد تفاوت در توزیع امکانات میان دانشجویان دختر و پسر است. به نظر می‌رسد پسران از امکانات بهتر و وسیع‌تری نسبت به دختران در دانشگاه‌ها و استفاده از منابع ورزشی برخوردار هستند. برای نمونه خدادادی و همکاران (۱۳۹۵) فضای ورزش در میان دختران دانشجو دانشگاه علوم پزشکی کرمان را مورد مطالعه قرار دادند و چنین نتیجه گرفتند که ایجاد اماکن و تجهیزات ورزشی و تفریحی متنوع و مناسب و نیز فراهم کردن فضای نشاط‌آور و انگیزاننده می‌تواند عوامل موثری برای مشارکت ورزشی دانشجویان دختر باشد. همچنین ایجاد تناسب بین اوقات فراغت دانشجویان دختر و ساعات اماکن ورزشی، تهیه تجهیزات و وسایل ورزشی، در اختیار و در دسترس قرار دادن آنها، توزیع مناسب ساعات اماکن ورزشی برای رشته‌های متنوع زنان و افزایش کیفیت تجهیزات و اماکن ورزشی، می‌تواند باعث افزایش گرایش دانشجویان دختر به فعالیت‌های ورزشی شوند. در سویی دیگر مضاف بر این مشکلات، عدم توجه به کیفیت امکانات ورزشی دانشگاه‌ها و فرهنگ ورزش مزید بر علت شده است تا این مهم در بستر آکادمیک مغفول واقع شود. نتایج پژوهش آصفی و دستجردی (۱۳۹۵) گواهی بر گزاره مزبور است. عدم سیاستگذاری و هدایت راهبردی منسجم و صحیح، نبود چشم‌انداز صحیح و برنامه بلندمدت و در نهایت نبود برنامه‌های سالانه و عملیاتی مناسب مانع توسعه ورزش همگانی دانشگاهی شده است. همچنین یکی از دلایل رکود و عدم پیشرفت ورزش در دانشگاه و همچنین عدم تمایل دانشجویان به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به هنگام فراغت بی‌شک ناشی از توجه ناکافی در برنامه‌ریزی ورزشی دانشگاه و کیفیت نامطلوب برنامه‌های ورزشی است.

راه حل دیگر نیز تغییر در فرهنگ عمومی دانشجویان با محوریت تقویت فرهنگ علاقه‌مندی به ورزش، تقویت فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی و توجه به نقش تربیتی ورزش در جامعه‌پذیرکردن دانشجویان و جوانانی سالم از لحاظ جسمی و روانی است. یکی از مهمترین راهکارهای ارائه شده توسط متخصصان بهره‌گیری از قدرت رسانه‌ها در فرهنگ سازی و ایجاد فرهنگ علاقه‌مندی به ورزش در بین دانشجویان است. نتایج تحقیقات بسیار زیادی که در همین ارتباط در داخل کشور انجام شده است نشانگر ارتباط متقابل رسانه‌های جمعی و توسعه ورزش در بین تمامی اقشار جامعه است. قره و همکارانش (۱۳۹۲) در تحقیقی پیمایشی از میان ۳۶۴ نمونه دانشجویان دانشگاه الزهرا به این نتیجه رسیدند که نقش رسانه بر آگاه‌سازی درباره‌ی فواید ورزش همگانی مطلوب بود ولی اطلاع‌رسانی رسانه در مورد مکان‌های مناسب و همایش‌های ورزش همگانی نامطلوب بود. قاسمی و کشگر (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان نقش اعتماد به رسانه‌های ورزشی در میزان اثرگذاری آن بر دانشجویان ورزشکار با پژوهش بر روی ۱۶۹ نفر از دانشجویان ورزشکار دختر دانشگاه‌های سطح تهران به این نتیجه رسیدند علی‌رغم وجود اعتماد عمومی نسبت به رسانه‌های مختلف، تلویزیون به عنوان مورد اعتمادترین رسانه

بود و این نتیجه در مؤلفه‌های متغیر اعتماد نیز به‌طور یکسان وجود داشت. همچنین از نظر میزان تأثیرگذاری رسانه‌های مختلف و همچنین مؤلفه‌های آن، تلویزیون در اولویت اول قرار داشت و در هر دو متغیر موبایل در پایین‌ترین سطح اهمیت بود.

بنابراین از آنجایی که هدف این مقاله، ارائه الگوی سیاستگذاری فرهنگی مناسب برای فرهنگ‌سازی ورزش دانشجویی (الگوسازی فرهنگ ورزش کردن) در ایران بود، لذا مطابق با الگوی طراحی‌شده، پیشنهاد می‌گردد:

- ✓ کارگروهی رسانه‌ای با هدف مسأله‌سازی فرهنگ ورزش دانشجویی، در مرکز اداره کل تربیت بدنی وزارت علوم ایجاد و به‌عنوان طرح و یا پویایی ملی تلاش شود در خصوص ایجاد عادت و فرهنگ علاقه‌مندی ورزش کردن در بین دانشجویان برنامه‌ریزی کنند؛
- ✓ مطابق با فرهنگ مذهبی جامعه، با ایجاد امکانات متناسب برای زنان و دختران دانشجو، تدوین قوانین و مقررات، بهره‌گیری از مربیان متخصص زنان برای آموزش رشته‌های ورزشی در دانشگاه‌ها، زمینه‌های لازم شکوفایی استعدادهای نیمی از جامعه مخاطب فراهم شود و از این منظر ورزش دانشجویی به‌عنوان سکویی برای رشد ورزش قهرمانی زنان در ایران باشد؛
- ✓ اداره کل تربیت بدنی وزارت علوم با ارائه تمهیداتی، زمینه جلب مشارکت مادی سازمان‌ها عمومی و شرکت‌های اقتصادی را در خصوص حمایت و سرمایه‌گذاری در ورزش دانشجویی فراهم نمایند. همچنین برای بهبود فرایند سیاستگذاری طراحی‌شده، پیشنهاد می‌گردد اداره کل تربیت بدنی وزارت علوم از انجام طرح‌های پژوهشی با محوریت، ورزش و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی دانشجویان، ورزش دانشجویی، برنامه‌ریزی و نظم در زندگی فردی، نقش عقاید مذهبی در علاقه‌مندی یا بی‌علاقگی دانشجویان به ورزش، ورزش دانشجویی و حفظ محیط زیست، نقش ورزش دانشجویی در کاهش افسردگی و استرس زندگی آینده افراد، نقش ورزش دانشجویی در تقویت فرهنگ کار تیمی، بررسی شیوه‌های ایجاد علاقه‌مندی به ورزش دانشجویی در بین دانشگاه‌های کشورهای اروپایی و آمریکایی حمایت نماید.

منابع

1. Asefi, A, Asadi D. H. (2009). The study of obstacles to the development of public sport in public universities in Tehran and the presentation of its developmental solutions. *Journal of Sport Management*. 8 (6): 823-844. (Persian).
2. Ashtarian, K. (2012). *An Introduction to the Cultural Policy Methodology*. Tehran: The Publishing of Sociologists. p: 10. (Persian).
3. Astrid, N, Sjolie and Ford Thuen. (2002). School journeys and leisure activities in rural and urban adolescents in Norway. *Health promotion int*. 17 (1): 21-30.
4. Azizi, B, Jalali Farahani, M & Khabiri, M. (2011Spring). Attitude of students living in dormitories of Tehran University on sport. *Journal of sport management*. 8: 75-91. (Persian).

5. Braun, V, Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology: *Qualitative Research in Psychology*. 3 (2): 77-101.
6. Cashmore, E. (2000). *Sports Culture*. London and New York: Routledge Publications. 9-15.
7. Cheryl, L. Levick, M. (2000). *The Women's Sports Enhancement Program*.UK: stanford university
8. Coakley, J. J. (2009). *Sports in society: issues and controversies*. McGraw-Hill Higher Education. 12 ed. P: 70-439.
9. Crombie, I. K. Linda, I. B. Williams, A. Ginnis, MC. Peter, W. (2004). Why older people do not participate in leisure time physical activity: a survey of activity levels, beliefs and deterrents. *Age and Ageing*. 33(3): 287-292.
10. Fazeli, N. Golij, M. (2013). *New Approach to Cultural Policy: Cultural Policy from the Perspective of Cultural Studies*. Tehran: Tisa Publishing. (Persian).
11. Ghare, M. A. Gholipour, N & Anet, Z. (2013winter). Examine the role of mass media to attitudes to sport for all in students of Alzahra University. *Journal of Communication management in sports media*. 1 (2): 40- 48. (Persian).
12. Ghasemi, H. Keshkar, S. (2011). *Social and cultural foundations of sport*. Tehran: Sports Publishing. (Persian).
13. Ghasemi, H. Kashkar, S. (2011Winter). Role of trust in sports media in its impact on athlete students. *Quarterly Journal of Sport Sciences*. Islamic Azad University. Boroujerd: 2 (5): 75-89. (Persian).
14. Ghasemi, H. Keshkar, S. & Kargar, G. (2012winter) Defining the culture of sport and its components by relying on the opinions of experts, athletes and sports practitioners in Iran. *Organizational Behavioral Management in Sport Studies*. 3 (12): 11-22. (Persian).
15. Greendofer, S. L. (1987). Social Class influence on female sport involvement. university of Illinois. sex Roles. New York, N.Y. 4(4): 619-625.
16. Goodarzi, M. Farahani, A. & Goodarzi, M. (2013Winter). Designing and Developing a Student Sport Development Strategy for the Department of Physical Education of Payame Noor University. *Research in Academic Sport*. 5: 117-134. (Persian).
17. Hannan, C. (2006). *Challenging the gender order. Opening key note speech at the fourth world conference on women and sport*. Kumamoto. Japan. <http://www.org/womenwatch/daw/news/speech2006>.
18. Javadipour, M. samienia, M. (2012). Universal sport in Iran, vision, strategy and future plans. *Applied Research in Sport Management*. 4: 21-30. (Persian)
19. Kashef, S. M. (2011). Factors Affecting Cultural Exercise from the Viewpoints of Professors: Employees and Students of Urmia University. Uroumia University Research Project. P:17. (Persian).
20. Khalaji, H. Bahram, A. Aghapour, M. (2013). *Principles and principles of physical education and sports science*. Tehran: Samt. p: 6. (Persian).
21. King, A, Blair, S, Bild, D, Dishman, R. (1999). Determinants of physical activity and interventions in adults. *Medicine and science in sport Exasice*. 24: 221-223.
22. Khodadadi, R. Pourranjbar, M. Ghorbanzade, B. Alamikoshki. (2016). The correlation facilitating and inhibiting factors on participation in sports activities of female students in Kerman University of Medical Sciences. *Journal of Health Promotion Management*. 5(3): 68-79. (Persian).
23. Kurdi, M. R. (2007). *Investigating the role of mass media and press in Iranian sport*. research project of Physical Education Research Institute and Sport Sciences. P: 26. (Persian).
24. Luschen, G. Sage, G. eds. (1981). *Handbook of Social Science of Sport*. stipes Pub. Co. Champaign.

25. Mazaheri, M. M. (2006). Culture and Sports. *The First International Congress of New Approaches to Physical Education and Sport Sciences*. Islamic Azad University of Tehran. P: 66. (Persian).
26. Mc Guigan, Jim. (2008) *Reflection on cultural policy*. Translation by Fazeli. N. & Morteza, Golij, Tehran: Imam Sadiq University Press. (Persian).
27. Mohammadpour, A. (2011). Women and Culture of Poverty; Qualitative Study of Poverty Culture among Female Headed Households under Coverage of Sari's Well-being. *Social Science Journal of the Faculty of Literature and Humanities*. Ferdowsi University of Mashhad. 165-197. (Persian).
28. Monazami, M. Alam, Sh. Nahid, Sh. B. (2011). Determining the Factors Affecting the Development of Physical Education and Sport in Women of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Sport Management*. 10: 151- 168. (Persian).
29. Physical Education Organization of the Islamic Republic of Iran. (2003). *Comprehensive Development Code physical Education and Sports of the Country*. (Persian).
30. Salehi Amiri, S. R. (2008 & 2013). *Cultural Policy and Cultural Foundations*. Tehran: Research Center of the Expediency Council. (Persian).
31. Sherry, E. Schulenkorf, N. & Chalip, L. (2015). Managing sport for social change: The state of play. *Journal Article. Sport Management Review*. 18 (1): 1-5.
32. Vahid, M. (2003). *The Culture of Transition Policy to Cultural Policy: Policy and Culture in Iran Today* (Proceedings of the Conference). Tehran: Baz press. 18-9. (Persian).
33. Zeinali Anari, M. (2014). Analysis of public sports discourse in Sharabil Roundabout. *The First National Conference on Sustainable Tourism with an Approach to Sport Tourism, Health and the Environment*. Ardabil. P: 9. (Persian).
34. Zahiri Nia, M. Nikkhab, H.A. & Shafie, N. (2014). Investigating the Impact of Family and Media on the Participation of Girl Students in Sport Activities (Case Study: Hormozgan Girl Students). *Two Journal of Social Partnership and Development*. 1 (1): 41-61. (Persian).

ارجاع دهی

قشمی میمند عباس، پورکیانی محمد، رحمتی محمد مهدی. سیاستگذاری فرهنگی ورزش دانشجویی در ایران، ارائه الگو. پژوهش در ورزش تربیتی. پاییز و زمستان ۱۳۹۸؛ ۷ (۱۷): ۸۳-۱۰۰. شناسه دیجیتال: 10.22089/RES.2018.5720.1442

Gheshmi Meimand A, Pourkiani M, Rahmati M.M. (2019). Cultural Policy of Student Sports in Iran, Presentation of Model. *Research on Educational Sport*. Fall 2019; 7 (17): 83-100. (In Persian). Doi: 10.22089/RES.2018.5720.1442

Cultural Policy of Students' Sports in Iran, Presentation of Model

A. Gheshmi Meimand¹, M. Pourkiani², M M. Rahmati³

1. Ph.D. Student of Cultural Policy Research, Institute for Cultural and Social Studies
2. Assistant Professor of Faculty of Education and Sport Sciences, Shahid Beheshti University
3. Associate Professor Department of Social Sciences, University of Guilan

Received: 2018/08/05

Accepted: 2018/05/02

Abstract

Considering the significance of sport as an important part of education and as one of the primary requirements of human development for achieving perfectionism, physical fitness, physical and mental vitality and ethical virtues, this article assumes modeling the culture of students' sport as one of the basic axes of cultural policy in sport. Moreover, due to the lack of a model for cultural policy in student sport, this article aims to criticize the existing models and theories in the field of cultural policy and propose an appropriate model of cultural policy for students' sport in the framework of Thematic Analysis method and utilization of experts including 10 Physical Education managers of higher education, researchers, as well as 30 undergraduates, senior and Ph.D. scholars. The presentation of the domestic model of cultural policy of students' sport focused on two main themes of structural change (around the two themes of the interface between managerial and structural changes) and the change in public culture toward sport (around three themes interfacing the culture of social responsibility reinforcement, creating a culture of interest in sport and the educational role of sport) models the culture of students' sport which is one of the most imperative results of this research.

key words: Cultural Policy, Students' Sports, Thematic Analysis

1Email: gheshmi.1987@gmail.com

2. Email: m.pourkiani46@gmail.com

3. Email: mahdi.rahmati@gmail.com